

## اثربرداری مرزبان‌نامه از شاهنامه در زمینه داستان و شکل داستان

### کطیور زیرک‌ساز

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

Email: [kativarziraksaz@gmail.com](mailto:kativarziraksaz@gmail.com)

### چکیده

شاهنامه فردوسی یکی از شاخص‌ترین متون ادب فارسی است که توانسته بنیادی برای متون بعد از خود باشد. در این میان، مرزبان‌نامه از متون ادبی قرن هفتم است که در برخی از جنبه‌ها متأثر از شاهنامه فردوسی ماست. پژوهش حاضر، به روش توصیفی-تحلیلی شاخص‌های اثربرداری مرزبان‌نامه و روایتی را از شاهنامه فردوسی بررسی کند. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که مرزبان‌نامه از سه جنبه تحت تأثیر شاهنامه فردوسی قرار گرفته است؛ نخست در زمینه محتوا که شامل اندیشه‌های ایران شهری یا همان سیاست مدن می‌باشد و در قالب مضامینی چون؛ فره ایزدی، توأمانی دین و سیاست، آرمان شهری، شاهی آرمانی و... نمود پیدا کرده است. دوم در زمینه داستان و شیوه داستان‌پردازی، بدین معنا که برخی از داستان‌های مرزبان‌نامه و کاراکترهای داستانی آن از شاهنامه فردوسی به عاریت گرفته شده است و زاویه دید اغلب داستان‌های دو اثر نیز سوم شخص یا همان دانای کل است. سوم در زمینه تأثیرپذیری زبانی-واژگانی و اشاره به برخی از بیت‌ها و مصراع‌های شاهنامه فردوسی است، و روایتی در توصیف میدان جنگ از واژه‌ها و اصطلاحات رزمی استفاده می‌کند که تا حدود زیادی تداعی کننده صحنه‌های حماسی شاهنامه است، وی همچنین متناسب با مفاهیم داستان‌های مرزبان‌نامه، اشعاری از شاهنامه فردوسی نقل می‌کند.

کلمات کلیدی: ادبیات حماسی، ادبیات تعلیمی، شاهنامه فردوسی، مرزبان‌نامه و روایتی.

### ۱. مقدمه

شاهنامه فردوسی ارزشمندترین دفتر شعر فارسی و مهم‌ترین سند عظمت و فصاحت فرهنگ و زبان فارسی است، چرا که این اثر گرانبها علاوه بر اینکه بسیاری از داستان‌های ملی و اساطیری قوم ایرانی را منعکس کرده، توانسته است در حفظ زبان و فرهنگ ایرانی نیز نقش بسزایی ایفاء کند. به دیگر سخن، شاهنامه؛ زبان، فرهنگ و ملیت ایرانیان را حفظ کرد و فردوسی نگذاشت که تاریخ و روایت‌های ملی ایرانیان نابود شود و با مکتوب کردن شاهنامه، تاریخ و آرمان‌های ساکنان ایران زمین را جاودان کرد. در واقع، «شاهنامه گنجینه‌ای است جاودانی و پایان‌ناپذیر از اندیشه‌ها، باورها، آیین‌ها، هنجارهای زیستی و رسم و راه‌های زندگی ایرانی. از دیگر سوی، شاهنامه‌نامه‌ای است پندمند که خرد و فرزنگی، ژرف‌اندیشی و فرخنده‌کیشی به گستردگی در آن بازتاب یافته است» (کزازی، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

افزون بر این، شاهنامه فردوسی توانست به عنوان یک زیر متن مورد توجه اغلب آثار بعد از خود قرار بگیرد و مخاطب به روشنی دامنه این تأثیرگذاری را می‌تواند در جنبه‌های سیاست مدن در آثاری چون سیاست‌نامه، تاریخ جهانگشای جوینی، راحه‌الصدور راوندی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

و...مشاهده کند. از این رو تأثیر زیاد شاهنامه بر آثار پس از خود، آن را تبدیل به یک اسطوره متن کرد: «یک اسطوره متن همانند اسطوره، با الگوشدگی متولد می‌شود، با تکرارپذیری زندگی می‌کند و دامنه و قدرت آن با توجه به میزان تکرارش کم یا زیاد می‌شود و در صورت تکثیر نشدن می‌میرد» (نامورمطلق، ۱۳۸۷: ۷). پس با توجه به این مختصر که گفته شده، بازتاب سرایش شاهنامه فردوسی بر آثار بعد از خود، قابل بررسی است و می‌توان جنبه‌های گوناگون این تأثیرگذاری را در آثاری که بعد از شاهنامه خلق شده‌اند، به دقت مورد نقد و بررسی قرار داد.

اعتقاد بر آن است که شاهنامه در مرزبان نامه ی وراوینی از سه دیدگاه اثر گذاشته است:

۱- داستان و شکل داستان ۲- از لحاظ لغات و واژگان و ترکیبات ۳- محتوا

در پژوهش حاضر بر آن هستیم تا اثر گذاری شاهنامه بر مرزبان نامه را از جنبه داستان و شکل داستان بررسی کنیم.

## ۲. پیشینه موضوع

به علت نو بودن پژوهش حاضر، تاکنون در مورد تأثیرپذیری مرزبان‌نامه از شاهنامه پژوهشی صورت نپذیرفته است اما با توجه به جایگاه شاهنامه و مرزبان‌نامه در ادب فارسی پژوهش‌های فراوانی پیرامون این دو اثر انجام گرفته است که اشاره کردن به تمام این پژوهش‌ها در این مجال نمی‌گنجد بنابراین فقط به تعداد معدودی از آنها به صورت مختصر اشاره می‌شود: جعفری، اسدالله (۱۳۹۰) در کتابی با نام «نامه باستان در بوتۀ داستان» قصه‌های متعدد شاهنامه را که با ساختاری تو در تو به یکدیگر گره خورده‌اند، در گروه‌های معدود روایی جای داده و بدین وسیله به طبقه‌بندی و تحلیل داستان‌ها پرداخته است. حسن زاده دستجردی، افسانه (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقد و تحلیل مقایسه‌ای منطق داستانی بهرام گور در شاهنامه و متون تاریخی قدیمی» به شیوه تحلیل گفتمانی چهره اساطیری تاریخی بهرام از میان داستان‌های شاهنامه به اختلاف نظرها نگریسته است. خالقی مطلق، جلال (۱۳۹۱) در کتابی با نام «یادداشت‌های شاهنامه» به معنی واژه‌ها، وجه دستوری، نکات مربوط به وزن و قافیه، تفسیر بیت‌ها، توجیه تصحیح و متن‌شناسی، وضعیت دستنویس‌ها و دستبرد کاتبان، مسائل رسم الخط و املاء واژه‌ها صنایع لفظی، سرگذشت و منش اشخاص اساطیری و تاریخی و همچنین به نقد سخن فردوسی در شاهنامه پرداخته است. در ضمن آن نویسنده ده‌ها موضوع دیگر در زمینه‌های اسطوره، تاریخ، فرهنگ و ادبیات کهن را نیز تا آنجا که با موضوع ابیات کتاب ارتباط داشته‌اند در آن ذکر کرده است. خالقی مطلق، جلال (۱۳۷۲) در کتابی با عنوان «گل رنج‌های کهن» به نقد و بررسی و تفسیر شاهنامه بر پایه شعر در قرن چهارم پرداخته است. رضایی دشت ارژنه، محمود (۱۳۸۷) در مقاله‌ای «نقد و تحلیل قصه‌ای از مرزبان‌نامه بر اساس رویکرد بینامتنیت» تنها به یکی از داستان‌های مرزبان‌نامه بر اساس رویکرد بینامتنیت پرداخته است و تأثیرپذیری مرزبان‌نامه را از متون کهن به ویژه شاهنامه نشان می‌دهد. موضوع این پژوهش (بررسی تأثیر شاهنامه بر مرزبان‌نامه) از زاویه ذکر شده موضوعی جدید است که از این نظر تاکنون بدان پرداخته نشده است این پژوهش می‌کوشد به تأثیر شاهنامه بر مرزبان‌پردازد که از این منظر تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است.

## ۳. بحث و بررسی

ساختار داستان‌های مرزبان‌نامه به صورت تمثیل است، تمثیل یا الگوری (Allegory) روایتی است که در آن عناصر و عوامل و اعمال و لغات و گاهی زمینه اثر نه تنها به خاطر خود و در معنی خود بلکه برای اهداف و معانی ثانوی به کار می‌روند (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۴۹). اغلب تمثیل‌های مرزبان‌نامه هم به صورت فابل (Fable) هستند. فابل یا حکایت حیوانات، روایتی کوتاه است به نظم یا نثر که هدفی اخلاقی در پی دارد، شخصیت‌های این قصه‌ها غیر بشری هستند که بیشتر از نوع اشیاء یا حیوانات هستند (تمیم داری، ۱۳۷۹: ۲۷).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در حکایت‌های اخلاقی و تعلیمی از داستان‌های تو در تو استفاده می‌شود. مثل: داستان‌های مثنوی، کلیله و دمنه و مرزبان نامه. «اپیزود، حادثه یا رویدادی مستقل است که در متن یک روایت بلند جای دارد؛ گاهی این حادثه مستقل به روند پیرنگ داستان مربوط می‌شود و گاه ربطی با پیرنگ داستان ندارد» (داد، ۱۳۸۳: ۱۱۱). هر چند که قالب اصلی کتاب مرزبان نامه فابل یا افسانه تمثیلی است و از این نظر از لحاظ ساختار با داستان‌های شاهنامه متفاوت است اما معدود داستان‌هایی در مرزبان نامه وجود دارد که از لحاظ ساختار و محتوا به طور کامل متأثر از شاهنامه فردوسی است و نگارنده بر این باور است که در این معدود داستان‌ها، شاهنامه فردوسی یکی از منابع «زیرمتن» مرزبان نامه می‌باشد که در ادامه این بخش به تحلیل و بررسی آنها پرداخته می‌شود. شایان ذکر است ساختار تمثیل‌های حیوانی و غیر حیوانی از این جهات قابل تحلیل است: الف: لحن (رسمی، صمیمانه، طنز). ب: طول تمثیل (کوتاهی و بلندی داستان). پ: طرح یا پیرنگ (پیوستگی منظم اعمال و حوادث داستانی که مبتنی بر رابطه علت و معلولی است). ت: شیوه نقل (روایت). ج: گفتگو در حکایت‌های حیوانات. د. شخصیت‌های داستانی (تقوی، ۱۳۷۷: ۱۲۳) از این رو تلاش می‌شود با مطابقت داستان‌های شاهنامه و اقتباس‌های انجام گرفته مرزبان نامه از این داستان‌ها، همسان‌گویی‌ها و تفاوت‌های دو ادیب مورد بررسی قرار گیرد.

## ۳-۱. داستان خرّه نماه و بهرام گور

داستان «خره نما و بهرام گور» که در باب اول (در تعریف کتاب و ذکر واضح و بیان اسباب وضع مرزبان نامه) جای داده شده است، یکی از داستان‌های مرزبان نامه می‌باشد که اصل این حکایت در شاهنامه با اندکی تغییر آمده است و به نظر می‌رسد طبق نظریه بینامتنی ژنت، در این داستان مرزبان نامه، شاهنامه زیر متن قرار گرفته است چرا که نویسنده مرزبان نامه، آگاهانه در این داستان از شاهنامه بهره گرفته است. قابل ذکر است که واژه خرّه (خُ رِه) در فرهنگ دهخدا به معنی نور می‌باشد (دهخدا، ۱۳۳۹، ذیل واژه خرّه اردشیر، ج ۱۹، ۴۹۸). اما در برهان قاطع افزون بر این معنی به معنای مختلفی چون؛ نام سرزمینی از پارس، بخش یا قسمتی از یک چیز، نام جانوری، به کار رفته است (خلف تبریزی، ۱۳۷۶: ۷۴۳). فردوسی نیز این حکایت را در قسمت تاریخی شاهنامه، پادشاهی بهرام گور، با اندکی تفاوت در شاهنامه آورده است

**تحلیل داستان:** در این دو داستان همسان‌گویی دو ادیب بسیار پررنگ است به گونه‌ای که در تاثیرپذیری متن مرزبان نامه از شاهنامه نمی‌توان کوچکترین تردیدی کرد؛ در هر دو داستان، بهرام به صورت اتفاقی به خانه دهقانی می‌رود، در هر دو داستان، از پادشاه در حد توان پذیرایی می‌کنند، در هر دو داستان، تغییر نیت پادشاه در بودن خیر و برکت تاثیرگذار است. در هر دو داستان نیت خوب پادشاه موجب کثرت شیر در چارپایان دهقان می‌شود. در هر دو داستان بهرام به خاطر تشکر از مهمان‌نوازی میزبان، قبالة روستا را به آنان می‌بخشد.

چنانکه مشاهده شد، اندیشه شاهی آرمانی بر روح هر دو داستان حاکم است. به عبارت دیگر؛ پیام و مفهوم هر دو حکایت در این است که نظم امور و همه هستی منوط و وابسته به رضایت پادشاه است و اگر پادشاه بیدادگری پیشه کند و نیت بدی نسبت به رعایا داشته باشد خیر و برکت نیز از میان مردمان می‌رود.

شخصیت‌های دو داستان با اندکی تفاوت مشترک است. در داستان مرزبان نامه سه شخصیت اصلی؛ «بهرام» پادشاهی اهل شکار، خوشگذران و البته بانصاف و عادل که رعایت کننده حال زیردستانش نیز می‌باشد، «دهقان» مردی ثروتمند، مطیع و فرمانبردار پادشاه و «دختر دهقان» زیباروی، خوش خلق، پاکدامن و مطیع پدر و فرمانروا هستند. در شاهنامه همان تعداد کارکتر با اندک جابجایی قرار دارند؛ «بهرام» پادشاهی اهل شکار، عادل و رعایت کننده حال زیردستان، «دهقان» مردی فقیر و نادر، مطیع پادشاه و «زن دهقان» زنی مهمان‌نواز، شجاع، پاکدامن و در عین حال مطیع فرمانروا و معتقد به اینکه شاه از تایید الهی برخوردار است.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زوایه دید داستان هم در هر دو حکایت «دانای کل» یا همان «سوم شخص مفرد» است که ناظر و خالق حوادث و شخصیت‌های داستان هستند که البته گفتگوهای کاراکترهای اصلی داستان هم تا حدود فراوانی در پیشبرد داستان نقش دارند. افزون بر این داستان در هر دو کتاب با لحنی جدی ارائه شده است.

حوادث داستان مرزبان‌نامه: رفتن بهرام به شکار، ابری شدن آسمان و طوفانی شدن هوا، پراکنده شدن اطرافیان پادشاه، رفتن بهرام به خانه دهقان، نشناختن بهرام و پذیرایی نامناسب از او، کم شدن شیر گوسفندان، پذیرایی مناسب از بهرام، زیاد شدن شیر گوسفندان، عاشق شدن بهرام بر دختر دهقان.

حوادث شاهنامه: رفتن بهرام به شکار، تصمیم بهرام در تحقیق و تفحص از رعایا، رفتن بهرام به خانه زن، سخن گفتن زن از بیدادگری پادشاه، دلتنگ شدن بهرام و تصمیم به بیدادگری، خشک شدن شیر گاو، پشیمانی بهرام از تصمیم خود، کثرت شیرگاو. هر چند که حوادث داستان اندکی با هم تفاوت دارد اما چنانکه مشاهده شد حوادث و پیرنگ داستان از نظم و توالی خاصی برخوردار است و بدون هیچ دلیلی حادثه‌ای در طول داستان روی نمی‌دهد.

## ۳-۲. ایراجسته با خسرو

داستان «ایراجسته و خسرو» در باب هشتم مرزبان‌نامه (در شتر و شیر پرهیزگار)، نقل شده است. فردوسی هم این داستان را در بخش تاریخی شاهنامه، پادشاهی اردشیر، آورده است.

**تحلیل داستان:** در این داستان، متن مرزبان‌نامه واگویی‌ای از متن شاهنامه است البته با اندکی تغییر. و همین می‌تواند دلیلی بر تاثیرپذیری یک پیش متن (مرزبان‌نامه) از پس متن یا زیر متن (شاهنامه) است. در هر دو داستان پادشاه با زنی ازدواج می‌کند که پدرش را کشته است. در هر دو داستان پادشاه بر زن خشم می‌گیرد و به وزیر یا موبد دستور می‌دهد که او را بکشد. در هر دو داستان، زن پادشاه بار دار هستند و وزیر را واسطه قرار می‌دهند که تا وضع حمل در کشتن آنها درنگ شود. در هر دو داستان پادشاه از دستور خود مبنی بر کشتن زنها درنگ روا نمی‌دارند. در هر دو داستان، وزیران از کشتن زنها سرباز می‌زنند و آنها را تحت حمایت خود قرار می‌دهند. در هر دو داستان، زنها پسری به دنیا می‌آورند که تا سن هفت سالگی از چشم پدر پنهان می‌ماند. پیام و مفهوم هر دو داستان، در خدمت خالصانه نمودن پادشاه است.

شخصیت‌های دو داستان مشترک است. در داستان مرزبان‌نامه سه شخصیت اصلی؛ «خسرو» پادشاهی عادل و در عین حال سخت‌گیر نسبت به اشتباهات اطرافیانش «ایراجسته» وزیر و دستوری زیرک و وفادار، مطیع و فرمانبردار پادشاه و «هم‌سر پادشاه» زیباروی، با شرم و حیا، پاکدامن و مطیع پادشاه. در شاهنامه تعداد کاراکترها نسبت به مرزبان‌نامه بیشتر است؛ «ارد شیر» پادشاهی جنگجو، و سخت‌گیر نسبت به خیانت اطرافیانش، «موبد» مشاور و وزیر پادشاه، مطیع پادشاه و نسبت به او بسیار وفادار «هم‌سر ارد شیر» دختر اردوان، دلسوز نسبت به پدر و برادرانش، خائن نسبت به پادشاه «بهمن» پسر اردوان، زندانی ارد شیر و محرک هم‌سر پادشاه در خیانت به او. «شاپور» پسر پادشاه، نوجوانی رشید و زیبا و که بعد از هفت سالگی به پدر نمایانده می‌شود و به عنوان یکی از کاراکترهای داستان معرفی می‌شود.

زوایه دید داستان هم در هر دو حکایت «دانای کل» یا همان «سوم شخص مفرد» است که ناظر و خالق حوادث و شخصیت‌های داستان هستند که البته گفتگوهای کاراکترهای اصلی داستان به ویژه گفتگوی وزیر با پادشاه، هم تا حدود فراوانی در پیشبرد داستان نقش دارند. افزون بر این داستان در هر دو کتاب با لحنی جدی ارائه شده است.

حوادث داستان مرزبان‌نامه: دست یازیدن خسرو به همسرش در برابر ملازمان کاخ، آستین برافشاندن زن خسرو و افتادن از روی تخت، بدگمان شدن خسرو و دستور دادن او مبنی بر کشتن زن، باردار بودن زن، سرباز زدن وزیر از کشتن زن و در کف حمایت خود

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

قرار دادن آنها، نخجیر پادشاه و یاد آمدن زن و فرزندش به واسطه شکار میش و بره‌اش، پشیمان شدن پادشاه از فرمان کشتن زن باردارش، بازگو کردن ماجرا توسط وزیر پادشاه، خوشحالی پادشاه و نواختن وزیر.

حوادث شاهنامه: جنگ با اردوان، کشتن اردوان، به زنی درآوردن دختر اردوان به خاطر دست یافتن به گنج اردوان، زندانی کردن دو فرزند اردوان در هندوستان، تحریض دختر اردوان توسط برادرش، بهمن، مبنی بر مسموم کردن اردشیر، زهرآلود کردن جام اردشیر، شکسته شدن جام زهر بر حسب تصادف، ترس و لرز دختر اردوان از شکسته شدن جام اردشیر، بدگمان شدن اردشیر نسبت به همسرش، آگاه شدن اردشیر از خیانت همسرش، ودستور دادن او مبنی بر کشتن همسرش، باردار بودن زن، سرباز زدن موبد از کشتن زن و در کنف حمایت خو قرار دادن آنها برای حفظ نژاد و تخمه پادشاهی، تصمیم موبد مبنی بر اخته کردن خود جهت جلوگیری از تهمت بدخواهان، دلتنگی اردسیر از نداشتن پسر، بازگو کردن ماجرا توسط موبد، نواختن موبد توسط پادشاه، آوردن شاپور به کاخ. هر چند که حوادث داستان اندکی با هم تفاوت دارد اما چنانکه مشاهده شد حوادث و پیرنگ داستان از نظم و توالی خاصی برخوردار است و بدون هیچ دلیلی حادثه‌ای در طول داستان روی نمی‌دهد. در مرزبان‌نامه وجود نخجیر و شفقت و مهربانی ماده میش و نره میش نسبت به بره خود، دلیل قانع کننده‌ای نسبت به افسوس خوردن پادشاه در صدور فرمان کشتن زن باردارش است. در شاهنامه هم نبود تخمه و نژاد پادشاهی دلیل افسوس خوردن اردشیر بر گذشته است.

## ۳-۳. داستان بزورجمهر با خسرو

«داستان بزورجمهر با خسرو» در باب پنجم مرزبان‌نامه (در دامه و داستان) نقل شده است. فردوسی هم این حکایت را در بخش تاریخی شاهنامه، پادشاهی انوشیروان، سروده است. قابل ذکر است که در مرزبان‌نامه از واژه «بزورجمهر» استفاده شده است، در شاهنامه از واژه «بوزرجمهر» استفاده شده است. پایان‌بندی این داستان، بر خلاف دو داستان قبلی با هم متفاوت است. **تحلیل داستان:** در این داستان هم، شاهنامه زیرمتن مرزبان‌نامه قرار گرفته است و می‌توان گفت که داستان مرزبان‌نامه خوانشی نو از داستان شاهنامه است با این تفاوت که در مرزبان‌نامه نسبت به انوشیروان دیدی آرمانی وجود دارد (آرمان‌شاهی) وجود دارد و همین در پایان‌بندی داستان بسیار تاثیرگذار بوده و باعث شده است که خالق مرزبان‌نامه انوشیروان را بدور از هر گونه تصمیم‌گیری نادرست به مخاطب معرفی می‌کند.

در هر دو داستان، شخصیت‌های اصلی انوشیروان و بوزرجمهر (بزورجمهر) هستند، در هر دو داستان مرواریدها توسط پرنده‌ایی بلعیده می‌شود، در هر دو داستان بوزرجمهر در آن لحظه موضوع را پنهان می‌کنند.

اما پیام و برداشت از حکایت‌ها متفاوت است در حکایت مرزبان‌نامه این است که در خدمت پادشاه هر سخنی را به موقع و زمانی معین باید گفت تا در مظان اتهام و خیانت قرار نگیرد. اما پیام حکایت شاهنامه علاوه بر پیام مرزبان‌نامه، در این است که گرد و غبار قدرت در برخی موارد موجب می‌شود که پادشاه تصمیمات نادرست بگیرد.

هر چند که حوادث داستان اندکی با هم تفاوت دارد اما حوادث و پیرنگ داستان از نظم و توالی خاصی برخوردار است و بدون هیچ دلیلی حادثه‌ای در طول داستان روی نمی‌دهد. فقط دلیل عصبانیت انوشیروان و زندانی کردن بوزرجمهر، مخاطب را به تعلل و اندیشه وادارد و او را قانع نکند.

حوادث داستان مرزبان‌نامه: رفتن بوزرجمهر و بهرام به بوستان سرا و دیدن بطان، بلعیده شدن گوهر توسط یکی از بطنان، جستجو کردن گوهر و فراخواندن بوزرجمهر توسط پادشاه، پنهان کردن اتفاق در روز واقعه به دلیل موافق ندیدن طالع، گفتن واقعیت در روز بعد از ماجرا به دلیل موافق دیدن بخت و اقبال.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حوادث داستان شاهنامه: رفتن بوزرجمهر و انوشیروان به شکار، خوابیدن انوشیروان در مرغزار و در آوردن جامه توسط وی، پایین آمدن مرغ سیاهی از آسمان، بلعیدن مروراریدهای بازوبند توسط پرنده سیاه، بیدار شدن انوشیروان و پرخاش او به بوزرجمهر، سکوت بوزرجمهر، زندانی شدن بوزرجمهر.

شخصیت‌های داستان مرزبان نامه و شاهنامه مشترک است و داستان توسط دو شخصیت پیش می‌رود: «خسرو» یا «انوشیروان» پادشاهی با ابهت، باتدبیر و در عین حال خشمگین و عصبانی «بوزرجمهر» یا «بوزرجمهر» وزیری دانا، زیرک و مطیع و فرمانبردار پادشاه.

چنانکه اشاره شد در داستان مرزبان نامه چون دیدی آرمانی نسبت به انوشیروان وجود دارد، نویسنده او را از خشم و عصبانیت و به تبع آن تصمیم‌گیری نادرست دور می‌دارد. به همین خاطر انوشیروان به بوزرجمهر بدبین نمی‌شود و به او زمان و فرصت می‌دهد تا در موقعیت مناسب واقعیت را بگوید اما با این وجود در این داستان هم ترس از خشونت و عصبانیت انوشیروان وجود دارد.

در داستان شاهنامه وضع به گونه‌ای دیگر است، خشم و قدرت همچون غباری در برابر دیدگان انوشیروان پرده‌ای می‌کشد و بدون هیچ تحقیق و پرس و جویی به بوزرجمهر بد و بیراه می‌گوید و دستور زندانی کردن او را می‌دهد.

زوایه دید داستان هم در هر دو حکایت «دانای کل» راوی یا همان «سوم شخص مفرد» است که ناظر و خالق حوادث و شخصیت‌های داستان هستند که البته گفتگوهای کاراکترهای اصلی داستان به ویژه گفتگوی بوزرجمهر و انوشیروان در مرزبان نامه، هم تا حدود فراوانی در پیشبرد داستان مرزبان نامه نقش دارند. افزون بر این داستان در هر دو کتاب با لحنی جدی ارائه شده است.

در ادامه این بخش، به داستان‌هایی اشاره می‌شود که بخشی از آن متأثر از شاهنامه فردوسی است و به نظر می‌رسد در این داستان‌ها، شاهنامه فردوسی در کنار دیگر متون قدیمی به عنوان زیر متن مرزبان نامه مدنظر بوده است:

## ۳-۴. داستان غلام و بازرگان

داستان «غلام و بازرگان» در باب دوم مرزبان نامه (در ملک نیکبخت و وصایایی که فرزندان را بوقت وفات نمود) ذکر شده است، که به نظر می‌رسد بخشی از آن با داستان «انداخته شدن داراب به آب» در شاهنامه فردوسی همسانی دارد.

**تحلیل داستان:** چنانکه مشاهده شد ساختار داستان و پیام و محتوای آن و حتی کاراکترهای موجود در دوداستان کاملاً با هم متفاوت است. اما آنچه نگارنده را بر این داشته که شاهنامه را به عنوان یکی از زیرمتن‌های داستان مرزبان نامه محسوب کند، وجود کهن‌الگوی گذر از آب است؛ «گذار از آب نمادی اساسی از حمایت یزدانی قهرمان ایرانی است. در آب انداختن و به سلامت گذشتن از آب نیز به عنوان ویر سرد در ایران باستان متداول بوده است. قدما معتقد بوده‌اند که آب گناهکار را نجات نمی‌دهد و بیگناه را از بین نمی‌برد» (رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۱۲۴، ۱۲۵). در هر دو داستان کهن‌الگوهایی چون آزمون قهرمان، سفر، آب به هم پیوند خورده است. گذر از مراحل دشوار و پشت سر نهادن سختی‌ها برای رسیدن به آرمان مقدس در آثار ادبی مختلف از جمله آثار اساطیری، حماسی، عرفانی و دینی فراوان دیده می‌شود. در شاهنامه فردوسی هم دوری از دیار، بیابان پروری و طرد شدن از خانواده، گذر از آب در مورد بسیاری از شاهان و پهلوانان اتفاق افتاده است و هیچکدام از این اتفاقات در شاهنامه منفی جلوه داده نشده است. این طرد شدن‌ها علاوه بر اینکه کودک را از خطر دور می‌کند، آغاز سفر اسطوره‌ای قهرمان برای رسیدن به کمال و دانایی و بازگشت دوباره محسوب می‌شود چرا که قهرمان باید از دشواری‌ها و سختی‌ها بگذرد تا به مرحله کمال برسد. پیام اصلی و مشترک همه این آزمون‌ها این است که پهلوان باید آزمون‌های دشوار را از سر بگذراند آنگونه که از بی‌خردی و نادانی خالی شود و خرمند و دانا از ماجرا بیرون بیاید.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در هر دو داستان هم غلام بازرگان و هم داراب باید از آزمونی به نام گذر از آب بگذرند تا به شاهی برسند. اغلب دشواری‌های آزمون با سفر قهرمان آغاز می‌شود. بسیاری از پهلوانان حماسه و اسطوره تن به سفرهای دشوار می‌دهند. سفر از دیدگاه روانکاو «کارل گوستاو یونگ»، روانکاو مشهور سوئیسی، نماد یک کهن‌الگو است. سفر از نمادهای تعالی است و نمادهای تعالی نمادهایی هستند که کوشش انسان را برای رسیدن به این هدف نشان می‌دهند. اگر در این سفرها قهرمان از نظر درونی از ارزش‌ها فراتر نرود و فقط به کشف شیوه‌های نوین زندگی بسنده کند، فایده‌ای نخواهد داشت چرا که یونگ رسیدن به رهایی و آزادی را در پایان این سفرها لازم و ضروری می‌داند (یونگ، ۱۳۸۷: ۲۲۶، ۲۲۷). بنابراین در این دو داستان، شخصیت‌های اصلی از ارزش‌ها فراتر می‌روند چرا که در هر دو داستان قهرمانان داستان به وضعیت موجود بسنده نمی‌کنند هر دو تلاش می‌کنند تا به جایگاه متعالی برسند و هنگامی که به مرز پختگی و کمال می‌رسند به رهایی و نجات دست پیدا کرده‌اند.

هر چند که حوادث داستان با هم تفاوت دارد اما حوادث و پیرنگ هر دو داستان از نظم و توالی خاصی برخوردار است و بدون هیچ دلیلی حادثه‌ای در طول داستان روی نمی‌دهد.

حوادث داستان مرزبان‌نامه: قول بازرگان مبنی بر آزادی غلام در صورت بازگشت از سفر دریایی، آغاز سفر دریایی غلام، طوفانی شدن دریا و غرق شدن کشتی، نجات غلام بوسیله سنگ پشت دریایی، وارد شدن غلام به شهر، استقبال مردم از غلام و انتخاب او به عنوان پادشاه، سوال پادشاه از مشاور مورد اعتمادش در دلیل کار مردم شهر، بیان واقعیت ماجرا توسط مشاور پادشاه، ساختن شهر در بیابان موعود، گذر غلام از دریا و رسیدن به آرمانشهر مورد نظر.

حوادث داستان شاهنامه: باردار شدن همای، مرگ بهمن، و صیت بهمن، پادشاهی همای، و وضع حمل همای، نهبان داشتن به دنیا آمدن فرزند و اعلام خبر مرگ او، به آب انداختن داراب، گرفتن داراب از آب توسط گازر، بزرگ شدن داراب و سوال در مورد گذشته خود، گرفتن واقعیت به داراب، پیوستن داراب به لشکر پادشاه و رفتن به جنگ روم و نشان دادن شجاعت و رشادت از خود، پی بردن رشنواد، فرمانده لشکر، به هویت داراب، بازگشت داراب به قصر.

شخصیت‌های داستان مرزبان‌نامه: «بازرگان» که آدمی قدرشناس و بخشنده است، «غلام» شخصی زیرک و وفادار به بازرگان و در عین حال دوراندیش و باتدبیر. «مشاور» وزیر غلام که بسیار به غلام وفادار بود.

کاراکترهای داستان شاهنامه: «همای» زنی مقتدر و سلطنت طلب «داراب» شاهزاده‌ای شجاع و دلیر. «گازر و همسرش» از رعایای پادشاه و وفادار به او. «رشنواد» سپهسالار و فرمانده ارتش پادشاه که بسیار به همای وفادار بود.

زوایه دید داستان هم در هر دو حکایت «دانای کل» یا همان «سوم شخص مفرد» است که ناظر و خالق حوادث و شخصیت‌های داستان هستند که البته گفتگوهای کاراکترهای اصلی داستان از جمله گفتگوی غلام (پادشاه) و مشاورش در مرزبان‌نامه و همچنین گفتگوی داراب با گازر و رشنواد در شاهنامه هم تا حدود فراوانی در پیشبرد هر دو داستان نقش دارند. افزون بر این داستان در هر دو کتاب با لحنی جدی ارائه شده است.

## ۳-۵. داستان هنبوی و ضحاک

داستان «هنبوی و ضحاک» دومین داستان از باب اول (در تعریف کتاب و ذکر واضح و بیان اسباب وضع مرزبان‌نامه) می‌باشد که نگارنده معتقد است؛ شاهنامه به عنوان زیر متن مورد نظر خالق مرزبان‌نامه بوده است و با داستان ضحاک در شاهنامه همسانی و شباهت دارد.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

**تحلیل داستان:** این دو داستان هم به مانند دو داستان قبلی (غلام و بازرگان و گذر داراب از آب) از نظر ساختار، پیام و محتوا با هم متفاوت هستند. اما آنچه که موجب شده است که این داستان مرزبان نامه را به عنوان یکی از زبرمتن های شاهنامه و دیگر متون قدیمی ایرانی بدانیم، وجود اسطوره ضحاک و ظلم و بیداد او در داستان مرزبان نامه است.

فردوسی اسطوره ضحاک را در قسمت اساطیری شاهنامه بعد از پادشاهی جمشید آورده است. هر چند که در مرزبان نامه، ضحاک در پایان شوهر، پسر و فرزند هنبوی را به وی می بخشد اما در هر دو داستان، تصویری منفی از ضحاک اهریمن ارائه شده است و همچنین اعتراض هنبوی به درگاه ضحاک تا حدودی شبیه به اعتراض کاوه آهنگر به درگاه ضحاک در شاهنامه است. پیام داستان مرزبان نامه در بیان اهمیت پیوند هم خونی است. در حالی که در شاهنامه بیشتر، ظلم و بیداد ضحاک اهریمن و نتیجه بیدادگری او مدنظر بوده است.

داستان مرزبان نامه کوتاه است و بنابراین شخصیت های آن نیز کم است، شخصیت اصلی این داستان و قهرمان آن زنی به نام «هنبوی» است. در این داستان، «هنبوی» کسی است که برخلاف زبان خاموش مردم زمانش فریاد اعتراض در درگاه ضحاک اهریمن سر می دهد. ضحاک هم به عنوان پادشاهی ظالم در این داستان حضور کم رنگی دارد.

در شاهنامه به خاطر طولانی بودن داستان، شخصیت های متعددی ایفای نقش می کنند از جمله: «ضحاک» این نام، تازی شده اژی دهاک پهلوی است، دیوی است که اهریمن برای تباهی جهان را ستی و نابودی مردمان آفریده شده است. «فریدون» نقطه مقابل ضحاک است، پهلوانی خجسته، پیام آور شادی که دارای فر شاهی است. «گاو برمایه» که نماد آفرینش و حیات است. «کاوه آهنگر» شخصیتی جسور و شجاع که در برابر ظلم و بیداد ضحاک قیام می کند. «ارمایل و گرمایل» دو ایرانی نژاده که بسیار زیرک و با تدبیر عمل می کنند. «مرداس» پدر ضحاک که پادشاه عادل بود. «آبتین» پدر فریدون. «فرانک» مادر فریدون از دیگر شخصیت های داستان هستند.

هر چند که حوادث دو داستان هم با هم متفاوت هستند اما حوادث در هر دو داستان از روابط علت و معلولی منظمی برخوردار است. حوادث مرزبان نامه: وجود مار بر روی کتف های ضحاک، خورش ساختن از مغز جوانان برای مارها، بردن شوهر، فرزند و برادر هنبوی به زندان، دادخواهی هنبوی بر درگاه ضحاک، مختار نمودن هنبوی در نجات یکی از سه نفر اعضای خانواده اش، انتخاب برادر توسط هنبوی، بخشش هر سه نفر توسط ضحاک.

حوادث داستان ضحاک بسیار زیاد است که به صورت مختصر به آن اشاره می شود: کشتن مرداس توسط ضحاک و جانشینی او، ورود ابلیس به کاخ ضحاک به عنوان آشپز، بوسه بر شانه های ضحاک توسط ابلیس و روییدن مار بر کتف ضحاک، خورش ساختن از مغز دو مرد برای مارهای کتف ضحاک، سرنگونی جمشید و به پادشاهی ایران رسیدن، ورود ارمایل و گرمایل به آشپزخانه ضحاک و فراری دادن نجات یافتگان توسط این دو، خواب دیدن ضحاک، تعبیر خواب ضحاک، کشتن آبتین، به دنیا آمدن فریدون و فرستادن او به کوه دماوند به همراه برمایه، دادخواهی کاوه آهنگر بر درگاه ضحاک، قیام بر علیه ضحاک توسط فریدون و کاوه آهنگر، زندانی کردن ضحاک در کوه دماوند و بر تخت نشستن فریدون.

زاویه دید هر دو داستان سوم شخص مفرد یا همان دانای کل است البته در هر دو داستان دیالوگ و مونولوگ (گفتگوی درونی هنبوی با خود در گزینش یکی از افراد خانواده و گفتگوی ضحاک با خود در مورد سرانجام کارش) شخصیت های داستانی در پیشبرد ماجرا و حوادث داستان ایفای نقش می کنند. لحن جدی و رسمی در این دو داستان همانند دیگر داستان های قبلی وجود دارد.



چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی  
The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

### نتیجه

هر چند شاهنامه فردوسی نیز بر روی متن‌های پیشین، شکل گرفته است اما نمی‌توان منکر شد که شاهنامه فردوسی به عنوان یکی از آثار ارزنده حماسی جهان و ایران از زیرمتن‌های اسطوره‌ای زبان و ادب فارسی است که در طول تاریخ فرهنگ و زبان ادب ایران زمین مورد توجه متون ادبی بعد از خود قرار گرفته است. دلیل این امر، فراوانی آرمان‌های انسانی در شاهنامه فردوسی است که به صورت مفاهیمی چون؛ خردورزی، عدالت، آرمان شهری، شاهی آرمانی و.. بازتاب داشته است. بنابراین متون نظم و نثری که بعد از شاهنامه خلق شدند همگی با تکرار این آرمان‌های انسانی تلاش کرده‌اند که آنها را حفظ کنند.

مرزبان‌نامه از متون ادبی قرن هفتم است که با وجود اینکه در حوزه ادبیات تعلیمی جای می‌گیرد و اغلب شخصیت‌های آن حیوانات هستند، نتوانسته است از تأثیر شاهنامه به دور باشد. خالقان این دو اثر با برجسته کردن جنبه‌های اخلاقی و سیاسی در داستان‌های شاهنامه و مرزبان‌نامه در پی تعلیم و تربیت جامعه ایرانی بوده‌اند. پس نگارنده بر این باور است که مرزبان‌نامه افزون بر اینکه در زمینه محتوا از شاهنامه متأثر شده است؛ از نظر داستان و شکل داستان نیز در برخی از بخش‌های کتاب، متأثر از شاهنامه فردوسی است؛ در شاهنامه داستان‌هایی وجود دارد که یا مشابه آنها در مرزبان‌نامه نقل شده و یا اینکه با کمی تغییر در مرزبان‌نامه، توسط وراوینی ذکر شده است. افزون بر این، اسامی شخصیت‌های انسانی داستان‌های مرزبان‌نامه همانند شاهنامه فردوسی برگرفته از تیپ‌های ایرانی قبل از اسلام هستند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی  
The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

منابع

۱. تقوی، محمد (۱۳۷۶). *حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی*، تهران: انتشارات روزنه، چاپ اول.
۲. تمیم‌داری، احمد (۱۳۷۹). *داستان‌های ایرانی*، تهران: مؤسسه انتشارات سوره، چاپ دوم.
۳. خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۷۶) *برهان قاطع*، جلد دوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
۴. داد، سیما (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: نشر مروارید، چاپ سوم.
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۹). *لغت‌نامه*، جلد ۱۹، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران.
۶. شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). *انواع ادبی*، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
۷. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *شاهنامه فردوسی*، به کوشش جلال خالقی مطلق. ۸ ج. تهران: بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۸. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۰). *رؤیا، حماسه، اسطوره*. تهران: مرکز..
۹. نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۷). *اسطوره متن هویت‌ساز: حضور شاهنامه در ادب و فرهنگ ایرانی*. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۰. وراوینی، سعدالدین (۱۳۹۲). *مرزبان نامه*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ هیجدهم، تهران، نشر قطره.
۱۱. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۷). *انسان و سمبل‌هایش*، ترجمه محمود سلطانیه، تهران، جامی، چاپ دوم.